

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختری  
همبورگ - جرمنی  
تنظیم و ویرایش: AA-AA

## بهارِ خون

مُخَمَّس بر سرودهٔ استاد فقید، "خلیل الله خلیلی"

وطن قربان دشت و دامن و فصل بهارانت  
کجا شد ابر و باران و فضای باغ و بستانت  
خدا می داند و جان من و شبهای هجرانت  
وطن آمد بهار اما نبینم گل به دامانت

نیاید نغمهٔ شادی ز مرغان غزلخوانت

الهی در بگیرد جسم و جان دشمن جانت  
چه سان بینم، به کاپیسا و لغمان و بدخشانت  
الا ای مادر میهن سر و جانم به قربانت  
به جای موج خون می جوشد از انهار خندانانت

به جای لاله روید داغ، از طرف بیابانت

کدامین نامسلمانی، ترا خونین جگر کرده  
ترا افسانهٔ تاریخ دنیا و بشر کرده  
به خاک و خون کشیده شیرۀ جانت به در کرده  
نسیم امروز با بلبل حدیث عشق سر کرده

مگر وقت سحر بگذشته از خاک شهیدانت

به نام نامیت افغان ستانم، فخر می باید  
چنان می گردد آخر، تا خدا هرچه بفرماید  
تو قلب آسیا بودی، ترا خواری نمی شاید  
چه شد کز پرتو خورشید، بوی مرگ می آید

یقین دارم، که تابیده به شهرستان ویرانت

صدای راکت و توپ است، و فرید عزاداران  
چه شد قمری چه شد بلبل چه شد کوکو چه شد الحان  
کرا گویم؟ ز حال {ناظم} آواره و حیران  
گریو شیر می آید، به جای نغمهٔ مرغان

مگر آتش زده، صیاد ظالم در نیستانت